# مراقب شاه سلطان حسینها باشیم!

## قسمت اول : داستان یک سقوط، درسهایی برای امروز

در سلسله نوشتارهایی که طی این هفته و هفته های آتی ارایه می کنیم، قصد داریم به بازخوانی برهه ای از تاریخ صفویه بجهت پندگیری و عبرت آموزی برای پاسداشت امروز انقلاب اسلامی بپردازیم(ان شاء الله) :

قسمت اول : داستان یک سقوط، درسهایی برای امروز: در دوره اصلاحات عده ای به ظاهر روشنفکر که متأسفانه بعضاً در پستهای کلیدی کشور نیز قرار داشتند نیروهای انقلابی را که نسبت به خطر دشمن هشدار می دادند را توهم توطئه متهم می کردند. آنها نیروهای دلسوزی را که خطر دشمن را به وضوح مشاهده می کردند را به نوعی بیماری روانی نسبت می دادند و تمام سعی خود را برای انکار دشمن بکار می گرفتند. اکنون نیز قلم به مزدهای دشمن همان سناریو را با برچسب «دولاپسها» دنبال می کنند.

جالب آنکه همین جماعت در وقتی کشور با تهدیدات جدی دشمن روبه رو می شود پرچم سفیدشان را به نشانه تسلیم بلند می کنند و امام جامعه را نیز به تسلیم در مقابل دشمن فرامی خوانند.

رهبر معظم انقلاب در آن سالها با طرح موضوع «شاه سلطان حسین ها» به این جماعت پاسخ دادند.

« اگر آن روز که شاه سلطان حسین در مقابل افغانها با این بهانه که اگر تسلیم نشویم و دروازه اصفهان را در مقابل هجوم آنها باز نکنیم، ممکن است عده‌ای کشته شوند، بر مردان غیوری که در اصفهان آن روز بودند - چه آسیابهای غیرتمند سیاهی و شرکتهای ولی همواره دغدغه اصلی ایشان توجه به فرهنگ عمیق و ناب اسلامی و فهم و ارائه آن بوده است و لذا هنگامی که احساس می کرد مسئولیت اجرایی شرعاً برایش واجب نیست کار را به دیگری می سپرد و خود به کار دینی می پرداخت که در این راستا جلسات تفسیر قرآن و نهج البلاغه و شرح روایات معصومین را طرح ریزی نمودند که تاکنون ادامه دارد. استاد طاهرزاده عمدتاً تحت تاثیر حکمت متعالیه ملاصدرا و عرفان محی الدین است و امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) و آیه الله جوادی آملی حفظه الله تعالی را برای خود نمونه خوبی از تفکر دینی و تحرک سیاسی اجتماعی میدانند و معتقد است اگر سازمان فکری جامعه ما از چشمه ناب تفکر این بزرگواران سیراب شود، سعادتی را که دین اسلام برای آنها آورده ، بدست خواهند آورد و آنچه ایشان در دانشگاه و مراکز تربیت معلم و جلسات منظم هفتگی دنبال می کنند، همه و همه در راستای تحقق همین عقیده است.

گفتنی است که متن کامل ۶۵ عنوان از آثار استاد اصغر طاهر زاده امضاهایی در موضوعات مرتبط با مبانی معرفت دینی و فایل های سخنرانی ایشان در وبسایت lobolmizan.ir موجود است.

دسته بندی کتاب ها در محورهای: انسان شناسی، مبانی نظری، نبی و نبوت، غرب شناسی، فلسفه و کلام، انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی، مهدویت، فاطمه شناسی، اهل بیت شناسی، کربلاشناسی، سلوک دینی، آسیب شناسی دینی

آثاری چون: مقام ابله الفدری حضرت فاطمه (س)، حقیقت نوری اهل بیت (ع)، آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین، مبانی معرفتی مهدویت، کربلا، مبارزه با پوچی، فرهنگ مدرنیته و توهم، انسان از تنگنای بدن تا فراخنای قرب الهی، خویشتن پنهان، معرفه النفس و الحشر ( ترجمه تفتیح اسفار جلد ۸ و ۹)، از برهان تا عرفان، معاد، بازگشت به سبک تربین زندگی، مبانی نظری نبوت و امامت، انقلاب اسلامی، بازگشت به عهد قدسی، آن گاه که فعالیت فرهنگی پوچ می شود، رمضان، دریچه رویت، ولایت فقیه، موافقت ها و مخالفت ها، زن آنگونه که باید باشد، جایگاه رزق انسان در هستی و...

**معرفی نویسنده و متفکر:**
**استاد اصغر طاهرزاده**

استاد اصغر طاهرزاده متولد ۱۳۳۰ می باشند. ایشان پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۰، در رشته زمین شناسی وارد دانشگاه اصفهان شدند و در همین سال پس از آشنایی با مبانی فکری امام خمینی (ره) و کتاب ولایت فقیه بگانه محور زندگی خود را دین تعیین نمودند. (دینی که از سیاست جدا نیست.) استاد طاهر زاده پس از فراغت از دانشگاه در حین اشتغال به کار در یکی از شرکتهای مهندسی در تهران، مطالعات حوزوی را آغاز نمودند و بالاخره به توصیه شهید بهشتی (ره) جهت کمک به تحقق انقلاب اسلامی به استخدام در وزارت آموزش و پرورش درآمدند و در کنار آن نیز مطالعات حوزوی را در قم دنبال می کردند. گرچه استاد در چند دوره مسئولیت های اجرایی نظیر معاونت پرورشی و مدیر کل آموزش و پرورش و مدیر کل بنیاد شهید استان اصفهان را عهده دار گشتند ولی همواره دغدغه اصلی ایشان توجه به فرهنگ عمیق و ناب اسلامی و فهم و ارائه آن بوده است و لذا هنگامی که احساس می کرد مسئولیت اجرایی شرعاً برایش واجب نیست کار را به دیگری می سپرد و خود به کار دینی می پرداخت که در این راستا جلسات تفسیر قرآن و نهج البلاغه و شرح روایات معصومین را طرح ریزی نمودند که تاکنون ادامه دارد. استاد طاهرزاده عمدتاً تحت تاثیر حکمت متعالیه ملاصدرا و عرفان محی الدین است و امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) و آیه الله جوادی آملی حفظه الله تعالی را برای خود نمونه خوبی از تفکر دینی و تحرک سیاسی اجتماعی میدانند و معتقد است اگر سازمان فکری جامعه ما از چشمه ناب تفکر این بزرگواران سیراب شود، سعادتی را که دین اسلام برای آنها آورده ، بدست خواهند آورد و آنچه ایشان در دانشگاه و مراکز تربیت معلم و جلسات منظم هفتگی دنبال می کنند، همه و همه در راستای تحقق همین عقیده است.

گفتنی است که متن کامل ۶۵ عنوان از آثار استاد اصغر طاهر زاده امضاهایی در موضوعات مرتبط با مبانی معرفت دینی و فایل های سخنرانی ایشان در وبسایت lobolmizan.ir موجود است.

**اما شاه سلطان حسین که بود؟**

شاه سلطان حسین آخرین پادشاه سلسله صفوی

شاه سلیمان پدر شاه سلطان حسین هفت پسر داشت که شاه سلطان حسین بزرگترین و در عین حال نالایق‌ترین فرزند او بود. فردی احمق‌طلب، تن‌آسان با دلی ظاهرا ساده و مهربان بود، چهره‌ای زیبا و بدنی قوی داشت. هیچگونه خشونتی در او دیده نمی شد. او حتی از کشتن حیوانات نیز متأثر می شد به ورزش علاقه‌ای نشان نمی‌داد و حتی در وقت جلوس به سلطنت قادر به سوار شدن بر اسب نیز نبود و چون تمام عمر را از زمان مرگ پدر (۱۱۰۵ ش) در حرمسرا گذرانده بود، از امور مملکتی آگاهی نداشت. وی انسانی خرافاتی و زودباور بود و به شدت تحت تاثیر افکار دیگران قرار می‌گرفت. مشهور است که شاه سلیمان به درباریان خویش گفته بود اگر طالب آسایش هستند بعد از وی پسرش حسین را میرزا به سلطنت بردارند و از خوابی تعالی و افتخار هستند میرزا مرتضی پسر دیگرش را برتخت بنشانند. امرای احلت طلب هم که یک پادشاه ضعیف بیشتر از یک فرمانروای سلحشور باب طبع آنها بود در انتخاب حسین میرزا که رشد نیز بود تردید نکردند و او را با نام شاه سلطان حسین بر اورنگ فرمانروایی نشاندند. این انتخاب در واقع نشان دهنده علاقه آن قوم به منفعت‌جویی، لذت پرستی و تن‌آسایی بودبه هر ترتیب، حسین میرزا در سال ۱۱۰۵ قمری به تخت پادشاهی تکیه زد. او به مدت سی سال بر ایران حکومت کرد.

تحولات و ماجراهای متعددی در این دوره رخ داد. وقایع پیوست که قصد ورود به آنها را نداریم و تنها به بخش پایانی این حکومت و سلسله صفویه می پردازیم.

**حمله محمود افغان به ایران**

سالها بود که ولایت قندهار به سبب بی کفایتی والی مقیم سلطان حسین از دست رفته بود و به صورت خودمختار اداره می شد تا اینکه حاکم ولایت با کشتن محمود خود این حکومت خودمختار را صاحب می شود و به فکر حمله به مراکز حکومت صفویه می افتد.

در نخستین حمله محمود افغان به ایران در سال ۱۱۳۴ هجری قمری، کرمان عرصه تاخت و تاز او قرار گرفت. لطفعلی خان دلاغستانی، صدر اعظم و والی فارسرای راندن افغان‌ها به اردوگاه آنان یورش برد و آنها را به تصرف خود در آورد. سواره نظام او، مهاجمان را تا قندهار تعقیب نمودند. محمود افغاندر پایان این اولین هجوم، شکست خورده و به قندهار برگشت.

در طی دو سالی که بین حمله نخست محمود افغان و یورش نهایی او، فرصت بود، دربار شاه سلطان حسین هیچ اقدام موثری در مهار کردن قدرت افغان‌ها که روز به روز در حال توسعه بودند، نکرد و چاره‌ای نیندیشید. محمود با سپاهی که تعداد آن ۱۸۰۰۰ نفر مرکب از غلزایی‌ها و هزاره‌ای‌ها بودند به سیستان و کرمان لشکر کشید. گرچه محمود افغان، سیستان و کرمان را در این بار دوم به آسانی فتح کرد، اما موفق به فتح قلعه کرمان، نشد.

با انتشار خبر حرکت سپاه افغان به سمت اصفهان شاه سلطان حسین فرمان‌هایی خطاب به سرداران و حکام برخی ولایات فرستاد و تاکید کرد که با سپاهیان تحت فرمان خود هر چه زودتر در پایتخت حاضر شوند، اما جمعی از سرداران که در نواحی فارس و آذربایجان بودند، هنگامی که نزدیک اصفهان رسیدند محمود، چشم ایشان بر علامات افغان‌ها افتاد، راه فرار پیش گرفته، هر یک به سمت ولایات خود فرار کردند.

این در حالی بود که به گزارش یکی از تاریخ نویسان آن عصر :

«در چند فرسخی پایتخت، لرها و بلوچها زندگی می‌کردند که مردمانی بسیار شجاع و جنگجو بودند و هر یک از آن دو قوم می‌توانست بیست هزار مرد جنگی به میدان نبرد بیاورد که برای شکست محاصره اصفهان کافی بود، اما هر یک از آن دو قوم نیز به دو فرقه مخالف تقسیم شده بودند و همین دشمنی در میان آنان موجب شد که نتوانند برای مقابله با افغانان به طور متحد با هم وارد جنگ شوند. هر یک از آن دو فرقه می‌خواست دیگری را از میدان خارج و بیشترین سهم از افتخارات را نصیب خود کند.»

شاه سلطان حسین آنقدر در جلوگیری از لشکریان افغان تعلل کرد که سپاه محمود افغان به دروازه های اصفهان رسید. صاحب منصبان شاه سلطان حسین برسر چگونگی دفاع از اصفهان با هم اختلاف نظر داشتند. سرانجام دو سپاه در گلون آباد در نزدیکی اصفهان روبه‌روی هم قرار گرفتند. سرداران شاه سلطان حسین علی‌رغم تمایل خود در رأس یک سپاه ۳۰،۰۰۰ نفری که اکثر آن‌ها را مردان جنگ نآزموده تشکیل می‌دادند، با دشمن روبه رو شدند. این سپاه شکننده به سرعت مضمحل شد.

شکست گلون آباد اوضاع حکومت شاه سلطان حسین را بیش از پیش پیچیده ساخت. قراریان جنگ به انگیزه ترس و توجیه فرار خود شایعاتی منتشر می‌ساختند. غلبه شایعات بر قضاوت صحیح از میزان قدرت دشمن مهاجم و هجوم زنان و مردان و اطفال برای یافتن پناهگاه، حکومت را به وضع وحشت انگیزی سر درگم کرده بود. یک فرانسوی که شاهد عینی اوضاع بوده، گزارش داده است :

« با وجود آنکه برای حمل سلاح عدای کثیر مرد وجود دارد، فقط پانصد نفر سرباز داوطلب پیش از یورش افغانان در اصفهان به سر می‌برد و پس از سقوط اصفهان در سال ۱۷۲۵ این شهر را ترک کرد و به قسطنطنیه رفت.گزارش کروسینسکی، گزارشی است که مبلغان مذهبی از اوضاع کشور محل ماموریت خود به سرپرست فرقهای که به آن تعلق داشتند می‌دادند.

« گزارش ژوزف ارمنی سالمونیان مترجم و منشی ارمنی ازدوگاردان کنسول فرانسه در اصفهان

« فایل PDF این کتابها در فضای اینترنت موجود است.

عباس حیدری

http://1fanoos.ir

ادامه از ستون مقابل

بدن محدود کنیم، از طریق «جوع» و «صوم»، چشم دل را که اقوای بلند معنویت می‌دورنیم تا مفتخر به دیدار انوار آشنایی شویم که از جنس خاک است و نه از جنس نر. در این حال درست است که تنهائیم ولی احساس غربت نمی‌کنیم. گفت:

وصال حق ز خلقیت جدایی است
ز خود بیگانه گشتن آشنایی است

بهجز واجب دگر چیزی نماند
که ممکن گرد امکان بر فشاند

۱۰- نجات از همان جایی می‌آید که خطر از آن‌جا آمد یعنی با گرفتارشدن در لذّات بدنی، با روزمرگی‌ها و تنگناهای زندگی دنیایی روبرو می‌شویم و با آزادشدن از لذاتِ بدنی از طریق «جوع» و «صوم»، نجات را در همان جایی جستجو خواهیم کرد که خطر از آن‌جا آمد. این شما و این کتابی که می‌خواهد نجات را از همان جایی جستجو کند که خطر نیز در آن‌جا قرار دارد.

دانلود کتاب از http://lobolmizan. ir
خرید از فروشگاه اینترنتی
http://bookroom.ir
و فروشگاه کافه کتاب آسمان زاهدان

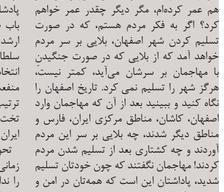

**غوغای اندیشه‌های سکولار در بازار فرهنگ**

## انتقاد شهریار زرشناس از رویکردهای فرهنگی دولت

سؤالیم این است که ناشری که قبل از سال ۹۱ دارد ۶ تا هشت عنوان کتاب منتشر می‌کند؟ چگونه در سال ۹۲ ماهانه تقریباً هشت عنوان کتاب منتشر می‌کند، از طریق زیر ناشر می‌شود و مجوز می‌گیرد؟ این کتاب‌ها چگونه در این مدت کوتاه منتشر می‌شوند؟ چرا زیاد است که اگر یک تیم ۵۰ نفره بگذارید که شبانه‌روز این کتاب‌ها را تولید نمی‌رسند. در حال حاضر چندین ناشر دارند چند برابر کار ما را می‌کنند. یعنی فقط یک ناشر طرح نو نیست. هم‌اکنون بازار کتاب مملو از حضور ناشرهای سکولار است. در هر زمینه‌ای که بخواهید مطالعه کنید، فلسفه، ادبیات داستانی، هنرمشناسی و... جز این حرف‌ها چیزی پیدا نمی‌کنید. همه را گرفتار کرده‌اند. تمام کارهایی هم که قبلاً مجوز نداشتند یا مجوزهایشان معطل بود، همه مجوز گرفته و فعال شده‌اند. کتاب‌هایی مثل «ایران در گذر روزگاران» که دیگر جزو شاهکارهای وزارت ارشاد است. کتاب‌های ضد اخلاقی فراوانند. با عرض معذرت کتاب‌هایی که خودرضایی را ترویج می‌کنند. کتاب‌هایی که درباره زن‌ها و تجاوز هستند و... فراوانند و کار از این حرف‌ها گذشته است. انگار سیاست وزارت ارشاد دفاعی این است که از طریق ایجاد تکثر در حضور روشنفکران، اندیشه‌های نوظهور در اقتصاد، اجتماعیات، سیاست، روان‌شناسی و بخصوص ادبیات کار را به جایی برساند که کنترل از دست همه خارج شود و به این کار را کرده است، بنابراین تحرک جناح نولیبرال در عرصه فرهنگی فوق‌العاده بالا رفته است.

بازار کتاب و مطبوعات و کتاب هفل فشار شده است، ولی میزان حضور جناح مؤمن، توان و امکاناتش قابل مقایسه با جناح نولیبرال نیست. باید به مسئولان و نمایندگان مجلس گفت یک حرکت خزنده فرهنگی در جهت ترویج نولیبرالیسم در ایران به صورت فوق گسترده از طریق بازار کتاب و مطبوعات و تا حدی سینما راه افتاده است. به نظر من قدرت حرکت آینها در جناح مؤمن و موقعیت‌های محدود بسیار است. شاید چون در سینما چشم‌ها حساس‌تر هستند و نظارت‌ها بیشتر و میزان حرکت‌شان کمتر شده است، ولی در بازار کتاب، مطبوعات، ادبیات تمایلی و سال‌های تمایلی نداشتند است. اینها بازسازی فوق‌العاده‌ای کرده‌اند و تحرک بسیاری دارند. این تحرک به موازات تغییرات اقتصادی که در جهت فربه‌تر و قوی‌تر کردن سرمایه‌داری سکولار است، می‌تردید در آینده خطرات سیاسی خواهد داشت و ما را دوباره با یک کودتا مواجه می‌کند.

منبع: به نقل از ماهنامه حلقه وصل

**معرفی کتاب:**
**رمضان دریچه رویت**

کتاب «رمضان دریچه رؤیت» با رویکرد سیر الی الله در سایه ی جوع، صوم و ماه رمضان، حاصل سلسله ی مباحث استاد طاهرزاده جهت آمادگی روح انسان در راستای اُنس قلب با انوار الهی است. این کتاب در صدد است تا ما متذکر راه هایی نماید که می توانیم از حاکمیت نفس امّاره رها شویم.

ابتدا به نحوی به وجود انسان در عالم می پردازد که آیا انسان در ذات خود چنین استعدادی را دارد که بتواند با حقایق عالَم اَعلا ارتباط پیدا کند، اگر می تواند چگونه باید عمل کند تا آن ارتباط برقرار شود؟ روشن می کند با توجه به جایگاه و وسعت نفس ناطقه ی انسان، انسان موجودی است بالاتر از بدن مادی و مقصد تمام دستورات دین و تکلیف های الهی بر این اساس است که انسان در صحنه ی عمل از خود برتر و جنبه ی معنوی و روحانی خود غافل نشود وگرنه قالب زندگی می ماند و قلب آن می رود و بر این مبنا جایگاه «جوع» و «صوم» را مشخص می نماید. هنر این نوشتار آن است که اینجا نیز «جوع» و «صوم» و «ماه رمضان» تفکیکی قائل شده تا خواننده بتواند از هر کدام بهره ی لازم را نصیب خود بنماید.

کتاب متذکر این نکته است که حقایق، پدیده های نوری عالم هستند که به جهت نحوه ی وجودی برتری که دارند همواره در تعلق شد و لذا آگاهی انسان بتواند حجاب های بین خود و آن ها را کنار بزند. جان او تحت تاثیر تجلیات نور آن حقایق قرار می گیرد و از کمالات مخصوصی که هر حقیقتی با خود دارد بهره مند می شود. سپس به این نکته می پردازد که وروز داری از موضوعاتی است که اگر در زندگی انسان ها جای خود را باز کند موجب می شود تا آنچه عقل فهمید، دل احساس کند.

از جمله نکات مهمی که کتاب با خواننده ی خود در میان می گذارد این نکته است که وقتی در زندگی انسان رجوع به «جوع» شروع شد و برکات آن معلوم گشت، انسان به دنبال زیباترین و کامل ترین شکلِ جوع خواهد بود و لذا از خود می پرسد مرز جواب به میل هایش کجاست و چگونه باید بر میل ها حاکم شود و در این مسیر متوجه «صوم» می شود که شکل دوم در حقیقت ماه رمضان است. این کتاب مدیریت شده ی جوع در ذیل شریعت الهی است و وقتی خواست در پرتو صوم به بالاترین منازل معنویت برسد به «ماه رمضان» دل می بندند که حضرت سجادمشخصه ی آن ماه را داشتن محرّمات فراوان می دانند و می فرمایند: «جُعِّلَ لَهُ مِنَ الْحُرُماتِ الْمُوَفُّوَرَةِ وَالْفَضائِلِ الْمَشْهُوَرَةِ» خداوند برای آن ماه محرّمات فراوان و فَضایل مورد توجهی قرار داد و بر این مبنا مشتاقان مسوده به عالم اعلا احترام خاصی برای ماه رمضان قائل اند.

نگارنده در معرفی کتاب چنین می نویسد:

بسمه تعالی

۱- از آن‌جایی که ما باید خود را برای ابدیت بسازیم لازم می‌آید راه‌کارهای مخصوصی را دنبال کنیم که صرفاً به بدن و جسم نظر ندارند و با «جوع» و «صوم» راه‌کار جوع از حاکمیت بدن و پرورش‌یافتن در حیاتی متعالی‌تر از حیات دنیایی را می‌توان شروع کرد.

۲- حاکمیت اَمیال بدن بر انسان، از جمله موانع «الی مَعَ الله»بدنِ بَنو و صاحب «وقت»شدن است. با «جوع» و «صوم» است که این موانع برطرف می‌شود و معراج انسان شروع می‌گردد زیرا:

پَرگشاده روح بالا بال‌ها/ تن زده اندر زمین چنگال‌ها

۳- «جوع» و «صوم» از آن نوع درمان‌هایی است که درد عشق را درمان می‌کند و بُعد را به قرب تبدیل می‌نماید و انسان در راستای رجوع به «جوع» و «صوم» به خود می‌گوید:

فکر بهبودِ خود ای دل ز ره دیگر کن/درد عاشق نشود بَهْ ز مداوای حکیم

۴- حاکمیت بر بدن، انسان را از دنیا آزاد می‌کند و زهد در دنیا را که از جمله‌ی بهترین عبادات است به انسان برمی‌گرداند تا انسان بر فراز دنیا از تنگنای زندگی آزاد گردد و از سنگ‌هایی که با پرخوری همواره بر پاهای پرواز خود می‌بندد نجات یابد. زیرا به ما گفته‌اند:

مکن کاری که بر پا سنگ آیو جهان با این فراخی تنگ آیو

۵- انسان روزه‌دار با روزه‌داری، عهد قدیم خود با خدا را تجدید می‌کند و با ظهور این عهد بقیه رسول تحت تأثیر تجلیات نور آن حقایق قرار می‌گیرد و از کمالات مخصوصی که هر حقیقتی با خود دارد بهره مند می‌شود. سپس به این نکته می‌پردازد که روزه داری از موضوعاتی است که اگر در زندگی انسان ها جای خود را باز کند موجب می شود تا آنچه عقل فهمید، دل احساس کند.

۶- روزه‌داری امید نجات از بحران‌های اخلاقی را در انسان تقویت می‌کند و انسان می‌فهمد حَدّ بشر تنها آن اندازه‌ای نیست که جسمِ انسان به انسان تحمیل می‌کند.

۷- خردمندان، عملزده نیستند هرچند تنها عملی، عمل است که خردمندان انجام دهند. روزه آن نوع عمل خردمندانه‌ای است که با یک نوع بی‌عملی همراه است ولی بیکاری و تبلی را به همراه نمی‌آورد.

۸- از آن‌جایی که دلبستگی به حق در ذات انسان نهفته است، اگر دلبستگی به بدن بخواهد، دلبستگی ما را نسبت به حق تحت تأثیر خود قرار دهد وظیفه داریم «جوع» و «صوم» را در پیش گیریم تا زکاتِ نَفْسِ خود را به خود آیوم و ناخود را خود نیاندازیم.

۹- وقتی بفهمیم هرگز نباید تسلیم زندگی سرد و منجمد دنیا شویم و روحمان را تنها در برآوردن حوائج مردم سیستان این و نیاز و بی‌توجهی به روحمان را فراموش کنیم.

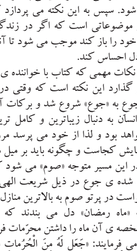

حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر کیخا افزود: ما همه کسانی هستیم که در این دوره از بی تدبیری مسئولان رنج می برند تا به یک مردم این دیار از این درد رنج ببرند؟ چرا هیچ شخصی پاسخگو نیست.؟

وی بیان کرد: وعده های مسئولان نیز در زیر سایه غبار زیگزدها به فراموشی سپرده شده است، دولت سال گذشته در سفر به سیستان در زمینه مبارزه با شن های روان مصوبه ای خوب داشت اما در حد حرف باقی ماند و تاکنون هیچ اقدامی نکرده است.

امام جمعه زابل بیان کرد: رسانه های باید سه بهترین شکل درد مردم را فریاد برند.: مسئولان بدانند دیگر بـا نظارت دقیق رسانه ها خواب راحتی نخواهند داشت چرا که شاکله تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی خدمت به مردم است و از میان کوچه‌ها و خیابان‌های اصفهان، شرمگین و انده‌خوار عبورکردند، شاه سلطان حسین که اسبی که از محمود افغان به عاریه گرفته بود، با تشریفات غم انگیزی وارد کاخ محبوب خود فرح آباد شد. گزارش زوفر ایی سالمیان مترجم و منشی ارمنی ازدوگاردان کنسول فرانسه صحنه را این گونه نقل می‌کند.

« محمود افغان در گوشه تالار بر مخده زربفت تکیه داشت. شاه به گوشه دیگر تالار جلوس کرد در آنجا قرار گرفت. شاه سلطان حسین پس از ادای تحیّات گفت: فرزندم چون اراده قادر متعال بر این قرار گرفته که من بیش از این سلطنت نکنم و به موجب مشیّت باری تعالی وقت آن شده که تو از اورنگ سلطنت ایران بالا روی، من از صمیم قلب سلطنتم را به تو وا می‌گذارم و از خداوند توفیق تو را می‌خواهم. شاه پس از ادای این چند کلمه، طره پادشاهی را از دستار برگرفته آن را برای تسلیم به محمود، به امان الله سپرد. ولی چون متوجه شد که محمود از این کار آزرده است، طرّه را از امان الله باز گرفت و خود نزد محمود رفت و آنرا با دست‌های خویش بر سر محمود بسته، بار دیگر برای وی توفیق خواست و بی درنگ به جای خویش بازگشت و نشست. »

درباره جنایاتی که افغانها پس از ورود به اصفهان نسبت به مردم و آثار گرانبهای سلسله صفوی مرتکب شدند، روایتهای دردناکی است که شرح مفصلی دارد. در اینباره کتابهای متعددی نوشته شده است که صرفاً به دو عنوان از آنها اشاره می کنیم:

-سقوط اصفهان اثر ژان کریستف روفن ترجمه دکتر محمد مجلسی از انتشارات دنیای نو

-ایران در بحران، زوال صفویه و سقوط اصفهان اثر رودلف متی با ترجمه حسن افشار از انتشارات نشر مرکز

شاه سلطان حسین نیز تا سال ۱۷۲۶ زندانی افغان ها بود و عاقبت با رسیدن پیام عثمانیان مبنی بر حمایت از شاه ایران و بازگرداندن تاج و تخت به او، به دستور افشار افغان در سال ۱۱۳۹گردن او در زندان زده شد. سر او در همدان دفن شده است.

. بیان در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۳/۲۲

.بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ، ۱۳۸۲/۳/۷

. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴

. محمد احمد پناهی سمنانی، شاه سلطان حسین صفوی ترازدی ناتوانی حکومت، چاپ اول، انتشارات کتاب نمونه، ۱۳۷۴.

. عالم آرای نادری جلد اول صفحه ۲۷.

ک.ورسینسکی ،ایران، بسوعی از هجده سال پیش از یورش افغانان در اصفهان به سر می‌برد و پس از سقوط اصفهان در سال ۱۷۲۵ این شهر را ترک کرد و به قسطنطنیه رفت.گزارش کروسینسکی، گزارشی است که مبلغان مذهبی از اوضاع کشور محل ماموریت خود به سرپرست فرقهای که به آن تعلق داشتند می‌دادند.

« گزارش ژوزف ارمنی سالمونیان مترجم و منشی ارمنی ازدوگاردان کنسول فرانسه

« فایل PDF این کتابها در فضای اینترنت موجود است.

عباس حیدری

http://1fanoos.ir



**غبار فراموشی بر روی وعده های داده شده به مردم سیستان چرا هیچکس پاسخگو نیست؟**

IRNA

با شروع توفان شن در منطقه سیستان باری دیگر نفس های مردم سیستان به شماره افتاد و سریال تکراری بارش ریزگرد مهمان خانه های مردم این دیار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، سیستانی ها سال هاست که میزبان مهمانی ناخوانده اند که سلامتی شان را تهدید می کند بادی که نه تنها رنگی دیگر به آسمان جنوب شرق کشور می زند بلکه با خود نفس تنگی می آورد.

یاد های ۱۲۰ روزه و توفان شن گاهی مدارس را تعطیل می کند،پرواز هواپیماها را به تأخیر می اندازد و گاه مردم را در خانه ها حبس می کند و البته بسیاری از فریاد های استمداد مردم این منطقه را نیز گم کرده است.

نگرانی اصلی مردم این شهرها تنفس بی چون و چرای این هوای آلوده و انتظار بروز انواع و اقسام بیماری های تنفسی ببرداز تا شاید مصداق همدلی و همزبانی دولت و ملت را جامعه عمل بپوشاند و گامی در رفع مشکلات مردم بلوچستان بردارد هرچند در این نوشتار دولت قول تیزی زمان رسانه به قدری آشکار شد تا نزدیک ترین رسانه به دولت در مطلبی انتقادی به بیان این مشکل بپردازد